

خبر

**پاسخ سعید خندق‌آبادی مجری طرح سریال «دل» به انتقادهای مطرح شده بر زرق و برق است؟**

**خب، فرهنگ عروسی‌هایمان همین است**

**بخش فرهنگی** – مجری طرح مجموعه شبکه نمایش خانگی «دل»، در پاسخ به انتقادات مطرح شده درباره لوکس بودن فضای این سریال، تاکید می‌کند می‌توان ناملایمات و تلخی‌هایی را که در زندگی امروز وجود دارد، با دیدن فیلم، خواندن کتاب یا تماشای سریال تعدیل کرد.
به گزارش خبرآنلاین، سریال «دل» به‌کارگردانی منوچهر هادی از نیمه آذر وارد شبکه نمایش خانگی شده‌است. در همین چند قسمت آغازین، لوکس بودن و فضای پرزرق و برق این سریال، انتقاداتی را برانگیخته‌ست. در همین ارتباط ، به سراغ سعید خندق‌آبادی، مجری طرح، یکی از سرمایه‌گذاران و جانشین تهیه‌کننده سریال «دل» رفتیم و با او گفت‌وگو کردیم. سعید خندق‌آبادی درباره واکنش‌های منفی که به عضو از وجوه سریال «دل» صورت گرفته‌است، گفت: «در سال‌های اخیر سنتی ناپسند رواج پیدا کرده‌است؛ تعدادی از اهالی رسانه بعد از تماشای یکی دو قسمت از یک سریال، درباره آن اظهار نظر می‌کنند. این قضاوت، کامل و منصفانه نیست، چرا که معمولاً وقتی سریال‌ها به نیمه رسیده یا تمام شده، موضع‌گیری‌ها هم تغییر کرده‌است. بنابراین فکر می‌کنم هنوز برای اظهار نظر درباره کیفیت سریال «دل» زود است. خوشبختانه طبق آخرین آمار ی که منتشر شده، سریال «دل» بیشتر از دیگر سریال‌های شبکه نمایش خانگی که این روزها توزیع می‌شود، بیننده داشته‌است.» او در واکنش به انتقادها به فضای لوکس این سریال هم گفت: «شرایط جامعه، مشکلات اقتصادی و معیشتی برای همه ما ملموس است، اما زندگی ادامه دارد. فروشگاه‌های بزرگ همچنان مملو از جمعیت هستند، مردم به سفر می‌روند، میهمانی‌های خانوادگی برقرار است. فیلم و سریال ساخته می‌شود، کنسرت برگزار می‌شود و جشنواره تئاتر، موسیقی و فیلم در راه است. من فکر می‌کنم نملایمات و تلخی‌هایی که انسان در زندگی دارد، با دیدن فیلم، خواندن کتاب، تماشای تئاتر یا سریال خوب، تعدیل می‌شود. بخشی از کارکرد هنر، بالا بردن کیفیت اوقات فراغت است.» خندق‌آبادی ادامه داد: «در سریال «دل» با یک قصه و موقعیت روبرویم. قصه از آماده شدن دو خانواده برای یک مراسم ازدواج شروع شده که ذاتاً در فرهنگ ما، پر زرق و برق برگزار می‌شود. البته ممکن است بخشی اندک از جامعه این طور زندگی کنند، اما نمی‌توان گفت این زندگی‌ها وجود ندارد. از منتقدان هم می‌خواهم صبور باشند چون این سریال قصای اخلاقی دارد.»

مدیر عامل موسسه هنرهای تصویری سوره درباره روند تولید سریال «دل» توضیح داد: «همکاری با سینماگران مختلف در این سال‌ها، اعتماد و تعاملی بین ما به وجود آورده‌است که در نهایت به تولید «دل» منجر شد. «دل» محصول بخش خصوصی است و با سرمایه غیردولتی و در شرایطی کاملاً حرفه‌ای تولید شده‌است.» او در واکنش به انتقادهای مطرح شده درباره فعالیت‌های موسسه هنرهای تصویری سوره هم گفت: «در پنج سال اخیر، در موسسه هنرهای تصویری سوره بدون این که یک ریال بودجه دولتی داشته باشیم، بدون هیچ حمایت مالی اقدام به خرید نسخه خانگی فیلم‌ها و توزیع آنها کرده‌ایم. در این دوره، با همدلی و همراهی هنرمندان، آثاری را در شبکه نمایش خانگی عرضه کرده‌ایم که بخش خصوصی از نظر اقتصادی، توجهی برای توزیع و حمایت از آنها نمی‌بیند، از جمله «شبی که ماه کامل شد»، «ویلاهای‌ها»، «لاتاری»، «رد خون»، «ماجرای نیمروز»، «شیار ۱۴۳»، «تیم‌خانه ایران» و … با بهترین کیفیت و شرایط عرضه شده‌اند.» خندق‌آبادی در ادامه تاکید کرد: «در کنار این آثار سینمایی که برشمردم، فیلم‌هایی متعلق به سینمای پرفروش هم در فهرست کارهای ما وجود دارند. به این ترتیب براساس سیاست و برنامه‌های مدون، در دورانی که همه ارگان‌ها با مشکل بودجه مواجه هستند، موسسه هنرهای تصویری سوره توانسته در زمینه خرید، فروش و توزیع فیلم موفق و مستقل از بودجه دولتی باشد و به شکل خودگردان اداره شود.» سریال «دل» به نوسندگی بابک کایدان و کارگردانی منوچهر هادی، با بازی حامد بهداد، ساره بیات، یکتا ناصر، کورش تهامی، سعیدراد، بیژن امکاتیان، افسانه یایگان، نسرن مقلوب، مهدی کوشکی و …در حال پخش در شبکه نمایش خانگی است.

.....

## زیباترین خاطره جوانی بهزاد فراهانی از ادوکلن و عکسی که از شهلا ریاحی هدیه گرفت

**بخش فرهنگی** – بهزاد فراهانی در گفت‌وگو با خبرآنلاین از ویژگی‌های شخصیتی زنده‌یاد شهلا ریاحی می‌گوید.

به گزارش خبرآنلاین، شهلا ریاحی اولین کارگردان زن سینمای ایران شب گذشته پس از طی دوره‌ای از بیماری به دلیل کهولت سن درگذشت. بهزاد فراهانی از همکاران قدیمی این هنرمند مطرح و چهره ماندگار سینما و تئاتر کشورمان در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره این هنرمند گفت: اینکه شهلا ریاحی اولین بازیگر زن سینمای ایران بود، بعد کوچکی از کار خانم شهلا بود. ایشان عضو مهمی از گروه نوشتن بزرگ بود و بعد از آن به خاطر اینکه همسرش فیلمساز بزرگی بود با بازیگری در فیلم‌ها هم درخخش فوق‌العاده‌ای داشت. فراهانی در ادامه گفت: با وجودی که خانم ریاحی در سینما یک ستاره بوده اما آن چیزی که از فعالیت‌های ایشان یاد بیشتر در نظر گرفته شود، فعالیت و نقش مهم ایشان در تئاتر است. بعد ۲۸مرداد ۱۳۳۲ زمانی که هنرمندان گروه نوشتن یا زندانی شدند و یا مهاجرت کردند، خانم شهلا در ایران ماند. وقتی مرحوم محمدعلی جعفری از زندان بیرون آمد کوشش کرد گروه نوشتن را دوباره زنده کند و در این مدت شهلا ریاحی با او همکاری زیادی داشت. یادم است اولین بار نمایش «امشب به قتل می‌رسد» را در جامه باربد با حضور رضا عیدی و خانم شهلا و آقای جعفری دیدم. ایشان یکی از درخشان‌ترین ستاره‌های ماندگار سینما، تئاتر و رادیو بود. بهزاد فراهانی در ادامه به همکاری با شهلا ریاحی در رادیو اشاره می‌کند و می‌گوید: بعدها در رادیو با خانم شهلا همکاری نزدیکی داشتم و در نمایش‌های فراوانی از توانایی‌های ایشان بهره گرفتم.

وی در ادامه با بیان اینکه از خانم ریاحی خیلی چیزها یاد گرفتم گفت: ایشان خیلی چیزها را به ما یاد می‌داد. منش، رفتار، سلوک، کار جمعی داشت که در دورانی که در رادیو با ایشان همکار بودیم آن را به وضوح دیدم. در برنامه دوم تئاتر رادیو تهران با هم کار می‌کردیم و در حین کار ایشان در واژه‌ها و تاکیده‌های کلام کار‌کترها مکث‌های خاصی داشت و با این کار در تحلیل شخصیت آنها کمک زیادی می‌کرد. من فکر می‌کنم

اینها را از آقای نوشتن یاد گرفته بود و به ما منتقل می‌کرد و در حقیقت با اینکه در کار من بازی می‌کرد ولی می‌توانم بگویم کارگردانی می‌کرد و آموزش‌ها هم می‌بود. بهزاد فراهانی در ادامه یک ویژگی دیگر شهلا ریاحی را چشم‌های بسیار زیبا و نیرومند این هنرمند فقید دانست و گفت: اگر قرار باشد چشم شرقی را آن طور که نویسندگان خوب ما می‌بینند ببینیم، باید ساعت‌ها به تصاویر چشم‌های خانم شهلا نگاه کنیم. فراهانی در ادامه با یادای از این هنرمند این خاطره را از او گفت: نمی‌دانم چطور اما یک بار تاریخ تولد من را پیدا کرده بود. اول بهم‌ن بود و برف سنگینی آمده بود. ایشان تشریف آوردند و گفتند می‌دانم امروز تولد تو است و برایت هدیه آوردم. خانم شهلا می‌دانست من عاشق آقای نوشتن هستم. کیف نارنجی ریپاش را باز کرد و یک بسته به من داد. یک ادوکلن و عکسی از زنده‌یاد نوشتن. این شاید یکی از خاطره‌انگیزترین لحظات جوانی من بود. بازیگر بینگسوت تئاتر و سینمای ایران در پایان درباره اینکه چرا وجه کارگردانی شهلا ریاحی را با او دیده نشده گفت: زنده‌یاد شهلا ریاحی خودش نمی‌خواست خیلی کارگردانی کند و بیشتر دوست

داشت که بازیگر باشد و به عنوان بازیگر شناخته شود.

## {فرهنگ و هنر }

# رشت چگونه رشت شد

**به مناسبت ۱۲ دی ماه روز رشت**

ستون اول تبریز و ارومیه را اشغال کردند ،ستون دوم از آستارا و کرانه خزر وارد گیلان شدند و ستون سوم از بندر ترکمن وارد گرگان و مشهد شده و آن مناطق را اشغال نمودند.

پنجشنبه ششم شهریور فرماندهان پادگان و روسای ادارات از گیلان گریخته بودند.

روز جمعه هفتم شهریور ۱۳۲۰ ، طیاره های روسی پادگان رشت را بمباران کردند و عده زیادی از سربازان که تازه سردوشی گرفته بودند و افسران دو تیپ لشکر یازده مستقر در پادگان رشت را کشتند. بمبی به اسطبل اسبها خورد و تعدادی اسب نجیب و اصیل نیز از بین رفت. طیاره های ملخی روسی ، انقدر نزدیک زمین پرواز می کردند، که می شد خلبان آنها را باچشم بدون دوربین دید. وقتی افسران به سربازان حاضر در پادگان رشت گفتند که بروید و پادگان را ترک کنید،سربازان گریه می کردند و می گفتند بگذارید با داس و تبر با مهاجمان روسی، بجنگیم، ولی فرماندهان نپذیرفتند. سربازان و درجه داران، به ناچار پادگان رشت ، را به حال خود رها نمودند و جان خود را به در بردند. سربازان استالین، به طرف پادگان رشت (نیروی دریایی فعلی) هجوم برده و سلاح های آن را غارت کردند و اسلحه ها را برای روسیه فرستادند . در بمباران رشت،بمبی هم در سبزه میدان افتاد و جمعا ۲۰۳ نفرکشته شدند.لاهیجان و لنگرود ، درهمان روز بمباران شد و حدود بیست نفر درلاهیجان کشته شدند.

با ورود ارتش سرخ در رشت ،حکومت نظامی اعلام شد و از ۶ غروب تا ۶ صبح کسی حق بیرون آمدن از خانه را نداشت.تلگراف خانه ، به تصرف آنان درآمد و ارتباط گیلان با سایر نقاط کشورقطع شد .شهربانی رشت به همراه روس ها اعلامیه ای مشترک دادند که حضور روس ها در رشت، دوستانه بوده و آنان برای استراحت از مناطق جنگی با آلمانها به گیلان امده اند و با مردم کاری ندارند .در اعلامیه، تقاضا کرده بودند که مردم به زندگی عادی خود بپردازند. روس ها در اوایل ،عملا هم با مردم عادی کاری نداشتند و اذیت و آزاری از آنان به مردم کوچه و خیابان به صورت مستقیم نمی رسید.اما بخشی ازمردم رشت، با خاطرات تلخ اشغال و حمله قبلی روسها به گیلان در بیست و دو سال پیش، از شهر فراری شده و به اطراف پناه برده بودند. روس ها ، زندان رشت را تخلیه نموده و آن را برای زندانی کردن المانی های نازی و طرفدارانشان اختصاص دادند. مردم رشت، تا آخر شهریورهمان سال، کم کم به خانه های خود برگشتند . زمان ،زمان درگیری جنگ جهانی دوم بود و ساختمانهای بزرگ ادارات و کتابخانه ملی به اشغال روسها درآمده بود.

نمایش فیلمهای تبلیغاتی روسها و پیروزی آنان در جبهه های جنگ با آلمانها، در شهرشرت و روستاهای اطراف امری رایج شده بود. در همین زمان به جهت حمله آلمانی ها به لهستان و تقسیم آن کشور بین متفقین ، شرق لهستان ،به اشغال روسها درآمد و بخشی از مردم لهستان از ترس انتقال به سیبری فرارکردند و خود را از طریق دریا و انزلی به گیلان رساندند. مردم رشت و انزلی ،علیرغم شیوع بیماری تب مالت و تیفوس، رسم میهمان نوازی را به جا آوردند و از آنان نیز پذیرایی نمودند.تعداد این مهاجرین بیش از ۱۱۵ هزار نفر بودند که عمدتا در رشت و انزلی مستقر شدند. دولت ایران نیز شرایط را برای ورودشان به کشور و تامین مایحتاج آنان فراهم آورد. از مدارس عمومی، نهادهای آموزشی، مغازه‌ها، نانوايي‌ها، مشاغل و رسانه‌ها خواسته شد تا ترتیبي دهند که لهستانی‌ها اقامت مطلوب‌تری در ایران داشته باشند.

با شروع جنگ جهانی دوم در یازده شهریورسال ۱۳۱۸ بین متفقین که روس و انگلیس در این جناح بودند و جناح متحدین که المان هیتلری درراس ان جبهه بود،دولت مرکزی ایران اعلام بیطرفی کرد. بهانه گیری متفقین برای اخراج ده هزار نفر آلمانی مقیم درایران، یکسره ادامه داشت . دولت ایران ، بیشتر آلمانی های مقیم ایران را مهندس و تکنیسین در حال نصب کارخانجات اعلام کرد که با پایان کارشان سریعا خاک ایران را ترک میکنند .اما این توضیحات دولت ایران، جلوی بهانه متفقین را نمیگرفت.در اول تیر ماه سال ۱۳۲۰ رادیو باکو، از سازمان جاسوسی المانی، در ایران نام برد و اعلام کرد که اگر آنان سریعا از سوی دولت ایران، اخراج نشوند ، سربازان روسیه بزرگ مقابله با آن وارد خاک ایران خواهند شد.دولت ایران در پاسخ اعلام کرد که اگر جاسوسان را معرفی کنند ،ایران نسبت به اخراج آنان اقدام خواهد کرد.اما این پاسخ ها پذیرفته نشد .سر ریدر بولارد واسمیرنف سفرائی انگلیس و شوروی در تهران، ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ یادداشت مشترک دو کشور را تسلیم دولت ایران کردند. در این یادداشت از فعالیت آلمانیهای مقیم ایران ابراز نگرانی شده و دو سفیر خواهان اخراج آنها شده بودند.

پناهجویان لهستانی، پس از دو سال سوء تغذیه و شیوع بیماری‌های مثل مالاریا، تیفوس، تب، مشکلات تنفسی و قحطی زدگی، تضعیف شدند. بسیاری از کودکان بی‌سرپرست لهستانی که والدینشان را در جنگ از دست داده بودند به اصفهان فرستاده شدند. تا پیش از سال ۱۳۲۴ بیشتر لهستانی ها ایران را با حمایت انگلیسی ها به مقصد مکزیک، هند، نیوزیلند، بریتانیا و کشورهای افریقایی ترک کردند. استقبال گرم میزبانان گیلانی و ایرانی از پناهجویان را می‌توان در سراسر ادبیات لهستان مشاهده کرد. مهربانی و همدردی عموم مردم ایران در قبال لهستانی‌ها همان چیزی است که در همه جا از آن صحبت می‌شود.

پناهجویان لهستانی، پس از دو سال سوء تغذیه و شیوع بیماری‌های مثل مالاریا، تیفوس، تب، مشکلات تنفسی و قحطی زدگی، تضعیف شدند. بسیاری از کودکان بی‌سرپرست لهستانی که والدینشان را در جنگ از دست داده بودند به اصفهان فرستاده شدند. تا پیش از سال ۱۳۲۴ بیشتر لهستانی ها ایران را با حمایت انگلیسی ها به مقصد مکزیک، هند، نیوزیلند، بریتانیا و کشورهای افریقایی ترک کردند. استقبال گرم میزبانان گیلانی و ایرانی از پناهجویان را می‌توان در سراسر ادبیات لهستان مشاهده کرد. مهربانی و همدردی عموم مردم ایران در قبال لهستانی‌ها همان چیزی است که در همه جا از آن صحبت می‌شود.

با اشغال ادارات و شهرداری رشت، عملا همه امور معطل مانده بود. استاندار جدید گیلان در این زمان، به مدت دو سال نادرمیرزا اراسته، تحصیل کرده رشته حقوق در سن پترزبورگ بوده که بزبان روسی حرف میزد و سوابقی نیز در وزارت امور خارجه داشت.

شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۸

(قسمت پایانی)



**نادر آراسته**

با حضور متفقین در ایران تمام جمعیت پانزده میلیون نفری ایران دچار بحرانهای شدید اقتصادی و اجتماعی شده بودند. تولیدات محصولات کشاورزی بشدت افت کرد و احشام و دامها تلف میشدند . آن مقدار هم که باقی می ماند می بایست به مصرف تهیه آذوقه روسها و انگلیسی ها برسد. لذا درگیری و هرج و مرج و نا امنی دایما اتفاق می افتاد. در ۱۸ تیر ماه ۱۳۲۱ بازرگانان

رشت در مقابل تقاضای ارتش شوروی برای عرضه برنج مقاومت کردند و برنج نایاب و گران شد. با تحریک عوامل ارتش سرخ در حزب توده، الواط و بزن بهادرهای محلات به تحریک مردم گرسنه پرداختند وعده زیادی زن و مرد به کاروانسراها و کارخانجات برنجکوبی حمله ورشدند و موجودی آنان را به غارت بردند. قیمت ها در این دوران هفت برابر شده و ارزش پول به شدت کاهش پیدا کرد. بازار سیاه برای همه چیز تشکیل شده بود.قیمت نان به ۱۷ برابر قیمت قبلی رسید و در سال ۱۳۲۱ عده ای برای درگیری های ناشی از تهیه نان کشته شدند. بطوریکه مردم فریاد میزدند یا مرگ یا نان .

**بلوای نان**



با تعطیلی همه کارهای عمرانی که در دوره رضا خان با سرعت زیادی درحال انجام بود، بیکاری زیاد شد و مردم دچار سختی های معیشتی شدند. در طول اشغال رشت ،طیاره های ملخی روس ها هر چند وقت به پرواز درآمده و با پخش اعلامیه ،برنامه ها و دستورات خود را به مردم ابلاغ می کردند.

کنفرانس تهران در فاصله روزهای ششم تا نهم آذر ۱۳۲۲ و همزمان با چهارمین سال جنگ دوم جهانی با حضور چرچیل ،استالین و روزولت تشکیل شد،این کنفرانس، مقدمه آخرین اقدامات مشترک برای پایان جنگ جهانی دوم در ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۲۴ بود . اما خروج نیروهای اشغالگر روسی از رشت ، یکسال بعد از اتمام جنگ جهانی دوم ، در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ به وقوع پیوست.

حضور نیروهای ارتش شوروی دررشت پنج سال طول کشید. درتمام این مدت ،روس ها در همه اموردولتی دخالت می کردند. ارتش سرخ شوروی ،قصد تخلیه گیلان را حتی بعد از اتمام جنگ جهانی دوم نداشتند و تنها با اولتیماتوم آمریکا به روسیه و فشارهای بین المللی خاک گیلان را ترک نمودند.

**منابع و ماخذ یازده شماره یادداشت های**

**«رشت چگونه رشت شد؟»**

کتاب گیلان –ابراهیم اصلاح عربانی و جمعی از نویسندگان –گروه پژوهشگران گیلان – سه جلد –۱۳۷۴

پیشگامان فرهنگ گیلان –سید ابراهیم مروچی – نشر ایلیا- ۱۳۸۷

بررسی وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ دوم جهانی –شمس الدین امرایی– انتشارات دانشگاه خوارزمی- ۱۳۹۴

استانداران گیلان –هومن یوسفدهی– نشر ایلیا –۱۳۹۳

مجموعه روزنامه جنگل – هادی میرزا نژاد موحد – نشر ایلیا- ۱۳۹۶

تاریخچه بلدیه رشت –محمود نیکویه-نشر ایلیا- ۱۳۸۷

گفته های ناتمام فریدون نوزاد – علی امیری –سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران –سدیریت گیلان –۱۳۹۷

سفر نامه ساحل خزر ریچارد هولمز–ترجمه شبنم حجتی–نشر ایلیا –۱۳۹۰

سینما در گیلان – کریم کوچکی زاد-نشر ایلیا

پژوهشنامه تاریخ- سال هشتم- شماره سی و دوم

ایران در جنگ جهانی دوم/شیدا صابری – انتشارات ققنوس- ۱۳۹۷

زمینه ها و عوامل حمله متفقین به ایران در سال ۱۹۴۱ – فصلنامه تاریخ روابط خارجی شماره ۶۴ –پاییز ۱۳۹۴

خاطرات ابوالحسن ایتهاج سمیعی –بکوشش علیرضا عروزی –انتشارات علمی –۱۳۷۱

مجموعه اسناد نهضت جنگل- شورای اسلامی شهر رشت – ۱۳۸۲

یادداشتهای روزانه محمد علی فروغی –به کوشش ایرج افشار – مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی-۱۳۸۸

و دهها مقاله و خاطره های مکتوب و شفاهی از بازمندگان دوران قدیم. به همراه فضای وسیع اطلاعات در اینترنت.

**\*پژوهشگر اجتماعی**